

چهره‌های ادبی درباره جایگاه رمان‌های عامه‌پسند در دنیای ادبیات چه می‌گویند؟

پله‌های آغازین نردبان کتاب‌خوانی



منجینی

ادبیات عامه‌پسند یا به شکل دقیق‌تر، داستان‌ها و رمان‌های عامه‌پسند، در زمره ادبیات زرد قرار می‌گیرد و نباید زیادی به آن بها داد؛ یا برعکس، جایگاه ویژه خود را در عرصه ادبیات و بین مخاطبان دارد؟ این، یکی دیگر از دعوای‌های طولانی مدت دنیای ادبیات است که همیشه موافقان و مخالفان خود را داشته است. مخالفان بر این باورند که رمان‌های عامه‌پسند یا به عبارت دیگر، داستان‌هایی که اغلب یک عشق آتشین یا سلسله روایت‌هایی



- هم عامه‌پسند هم پرفروش‌ترین تاریخ**

ایرانی و خارجی ندارد. یعنی همان‌طور که در کشور خودمان نویسنده‌های زیادی هستند که با خلق یک اسم مستعار به نوشتن داستان‌های عاشقانه یا جنایی روی می‌آورند و مخاطبانی هم هستند که با علاقه‌ای وافر ماحصل کار را مطالعه می‌کنند، در آن سمت با هم اولویت بسیاری از نویسنده‌ها نوشتن داستان‌هایی عامه‌پسند است برای مخاطبان عامه‌پسند. رجب‌علی اعتمادی یا همان ر- اعتمادی که خبر درگذشت او تیر امسال دوباره بحث جایگاه رمان‌های عامه‌پسند را پیش کشید، مرتضی مؤدب‌پور مشهور به م-مؤدب‌پور که رمان‌های زیادی را با عنوان‌های دخترانه به چاپ رساند، فهیمه رحیمی که در زمره نویسندگان رمان‌های پرفروش بعد از پیروزی انقلاب اسلامی قرار گرفت یا نازی صفوی که «الان بهشت» را هنوز می‌توان در کتاب‌فروشی‌ها و بساط‌های کتاب پیدا کرد و کلی اسامی دیگر، همه از کسانی هستند که نامشان به واسطه نوشتن

رمان‌های عاشقانه و عامه‌پسند بر سر زبان‌ها افتاد. نویسندگانی که می‌توان گفت بخش بزرگی از زندگی خود را به نوشتن قصه‌هایی با همین سبک و سیاق اختصاص دادند. آن طرف زؤل ررن را داریم که لقب پدر داستان‌های علمی-تخیلی را نیز از آن خود کرده و با خلق داستان‌هایی در هوا و فضا و زیر دریا بسیاری را مجاب به خواندن داستان‌هایش کرد. آگاتا کریستی یکی دیگر از چهره‌های معروف آن‌ور آبی است که به خاطر نوشتن ماجراهای کارآگاه هرکول پوآرو یا خانم مارپل لقب ملکه جنایت را

هم از آن خود کرد. شهرت اصلی او به دلیل نوشتن ۶۶ رمان جنایی است. از جی‌کی رولینگ، نویسنده داستان‌های هری پاتر نیز باید به عنوان چهره شاخص دیگر این حوزه نام برد که با نوشتن هری پاتر و هر آنچه در مدرسه سحر و جادوگری هاگوارتز می‌گذرد، توانست یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های تاریخ بشر را بنویسد. دانیل استیل نیز یکی دیگر از مطرح‌ترین نویسندگان عامه‌پسند در زمینه داستان‌های عاشقانه است که گفته می‌شود خودش تجربه پنج ازدواج داشته است.

- جامعه‌پسند تمام‌است؟**

روزنامه جام‌جم در یکی از شماره‌های پیشین خود اطلاعات جالبی درباره این نویسندگان منتشر کرده بود. نویسندگانی که مرور گفته‌های آن‌ها درباره جایگاه رمان‌های عامه‌پسند به خوبی عیان می‌کند که نگاهشان به این مقوله بسیار جدی است و برای

آن دلایل و توجیهات زیادی هم دارند.

فهیمه رحیمی در طول زندگی خود ۲۳ عنوان رمان نوشت و منتشر کرد که بسیاری از آن‌ها به چاپ‌های بالای ۱۰ عدد نیز رسید و با داشتن هفت کتاب در میان ۴۷ کتاب پرفروش پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، رکورددار فهرست پرفروش‌هاست. نسرین ثامن‌ی کسی بود که می‌گفت «به خاطر عشق به نوشتن، ۲۸ سال از زندگی خودم و خانواده‌ام زدم و به کار پرداختم. تنها لذتی که از زندگی بردم، همین نوشتن است.» رجب‌علی اعتمادی معتقد بود، عامه‌پسند عنوان غلطی است که به رمان‌نویسی اطلاق شده است، و «هر کسی می‌تواند کاری را به وجود بیاورد و اگر جامعه‌آن را پسندید، ارزشمند است.» نازی صفوی نیز بر این باور است که: «به جای اینکه منتقدان در پی بهانه‌جویی باشند، بهتر است کمی وقت خود را سر این کار بگذارند که چرا یک اثر می‌تواند راه خود را باز کند و مخاطبان بسیاری را با خود همراه سازد.»

- گلدن هارت و هوگو ویلی**
- از یک جایی به بعد، مشابه دیگر جوایز ادبی، رمان‌های عامه‌پسند هم از جایزه و جشنواره مخصوص به خودش برخوردار شد. به عنوان نمونه جایزهٔ «گلدن هارت، جایزه‌ای است که به بهترین عاشقانه‌ها در آمریکا اختصاص داده می‌شود یا جایزه هوگو که یک جایزه ادبی سالانه است برای بهترین آثار علمی تخیلی یا افتخرز، در کشور خودمان نیز از سال ۱۳۹۸ جایزه لیلی، با هدف ارج نهادن به رمان‌های عاشقانه، بنیان گذاشته

شد که البته فقط موفق شد برای سه دوره برگزار شود. یاسر نوروزی، خبرنگار، سال‌ها پیش در روزنامه‌شهروند با لاله زارع، نویسنده و برگزارکننده جایزه «لیلی»، گفت‌وگویی کرده بود که زارع در خلال آن گفته بود: «... فکر کردیم خودمان باید کاری بکنیم و جایزه‌ای راه بیندازیم که این هدف را دنبال کندو بتوانیم کمک کنیم که ادبیات عامه‌پسند ما به فقرا نرود و آثارش کیفیت سیر صعودی داشته باشد.»

- جدی یا محض سرگرمی؟**
- اما نویسندگان و بزرگان عرصه ادبیات درباره این موضوع چه نظری دارند؟ آن‌ها هم دقیقاً مانند مخاطبان به دو گروه تقسیم می‌شوند. عده‌ای می‌گویند باید به رمان‌های عامه‌پسند بها داد یا دست‌کم نیازی به کوباندن آن‌ها نیست. عده‌ای دیگر نیز دشمن ادبیات عامه‌پسندند و سفت و سخت معتقدند نباید ارزشی برای داستان‌ها و

جنایی محور اصلی آن را تشکیل می‌دهد، چیزی به ادبیات و مخاطب اضافه نمی‌کند و به همین دلیل خیلی نباید جدی گرفته شود. موافقان اما معتقدند از رهگذر همین رمان‌های عامه‌پسند است که می‌توان به ادبیات معناگرا رسید، اما حق با کدام گروه است؟ واقعیت این است که در بررسی دو سر این طیف، سوالات جزئی و

سؤال‌هایی از قبیل اینکه آیا رمان‌های عامه‌پسند برای جذب مخاطب به ادبیات جدی‌تر، مانع محسوب می‌شود؟ آیا وجود این قبیل رمان‌ها برای چرخه اقتصادی و وضعیت صنعت نشر واجب است؟ اصلا در جست‌وجوی معنا بودن ارجح است و اهمیت دارد

رمان‌هایی که در زمره ادبیات زرد قرار می‌گیرد، قائل شد. هوشنگ مرادی کرمانی در این باره می‌گوید: «وجود این کتاب‌ها اصلاً باعث رونق کتاب‌فروشی‌ها می‌شود. اما نکته مهم این است که این کتاب‌ها از زمان خود نمی‌گذرند، مقطعی هستند، زمان خاصی خوانده می‌شوند و بعد کنار می‌روند. در شما که غریبه نیستید هم گفته‌ام. این جور کتاب‌ها باید باشند تا چرخ مطالعه را به حرکت درآورند و کنار بروند.» احمد دهقان بر این باور است که: «این، یک واقعیت ادبی است که ما باید با احترام درباره‌اش صحبت کنیم. استقبالی هم که از این کتاب‌ها می‌شود نمی‌توان خوب یا بد دانست، ولی باید قبول داشته باشیم کتابی موفق است که خواندن آن با لذت همراه باشد. این نکته را هم باید یادمان باشد که ناشرها، نویسنده‌ها را به نوشتن رمان‌های عاشقانه دعوت می‌کنند.» کاوه فولادی نسب، نویسنده و مترجم نیز بر این باور است که ادبیات عامه‌پسند آشتی‌دهنده ادبیات با شهروندان و جامعه است.

- گلدن هارت و هوگو ویلی**
- از یک جایی به بعد، مشابه دیگر جوایز ادبی، رمان‌های عامه‌پسند هم از جایزه و جشنواره مخصوص به خودش برخوردار شد. به عنوان نمونه جایزهٔ «گلدن هارت، جایزه‌ای است که به بهترین عاشقانه‌ها در آمریکا اختصاص داده می‌شود یا جایزه هوگو که یک جایزه ادبی سالانه است برای بهترین آثار علمی تخیلی یا افتخرز، در کشور خودمان نیز از سال ۱۳۹۸ جایزه لیلی، با هدف ارج نهادن به رمان‌های عاشقانه، بنیان گذاشته

شد که البته فقط موفق شد برای سه دوره برگزار شود. یاسر نوروزی، خبرنگار، سال‌ها پیش در روزنامه‌شهروند با لاله زارع، نویسنده و برگزارکننده جایزه «لیلی»، گفت‌وگویی کرده بود که زارع در خلال آن گفته بود: «... فکر کردیم خودمان باید کاری بکنیم و جایزه‌ای راه بیندازیم که این هدف را دنبال کندو بتوانیم کمک کنیم که ادبیات عامه‌پسند ما به فقرا نرود و آثارش کیفیت سیر صعودی داشته باشد.»

- جدی یا محض سرگرمی؟**
- اما نویسندگان و بزرگان عرصه ادبیات درباره این موضوع چه نظری دارند؟ آن‌ها هم دقیقاً مانند مخاطبان به دو گروه تقسیم می‌شوند. عده‌ای می‌گویند باید به رمان‌های عامه‌پسند بها داد یا دست‌کم نیازی به کوباندن آن‌ها نیست. عده‌ای دیگر نیز دشمن ادبیات عامه‌پسندند و سفت و سخت معتقدند نباید ارزشی برای داستان‌ها و

یا می‌توان ادبیات را صرفاً محض سرگرمی خواند و لذت برد؟ آنجا که باید هدف، از نقای سطح سلیقه مخاطب باشد دقیقاً کجاست

و آیا این امر به عهده نویسندگان است؟ باید خواندن هر کتابی را به فال نیک گرفت؟ و یک سؤال عمیق‌تر، با توجه به استقبال کردن یا نکردن جامعه از رمان‌های عامه‌پسند، می‌توان پای مطالعات فرهنگی را پیش کشید و از دلایل فرهنگی و اجتماعی این علاقه‌مندی یا بی‌علاقگی سخن گفت؟ ما در این مطلب قصد داریم برخی از دیدگاه‌های بزرگان جهان ادبیات را درباره رمان‌های عامه‌پسند مرور و نقش این کتاب‌ها را در داشتن یک سیر مطالعاتی مطلوب بررسی کنیم.

سیر مطالعاتی ایفا می‌کند، اینکه بسیاری از افراد با مطالعه همین کتاب‌ها، کتاب‌خوان شده‌اند و در ادامه یک سیر مطالعاتی منظم و روبه جلو برای خود تدارک دیده‌اند.

رضا امیرخانی در بخشی از صحبت‌هایش درباره مطالعه کتاب‌های عامه‌پسند که چند سال پیش در روزنامه همشهری منتشر شد گفته بود: «مهم، ارتقای نردبانی کتاب‌خوان‌هاست. آن کسی که کتاب فهیمه رحیمی می‌خواند، با یک تلنگر می‌شود سبوش داد به کتاب بامداد خمار فثانه حاج سیدجواد ی و از آنجا به کتاب چراغ‌هارا من خاموش می‌کنم پیرزاد واز آنجا به...، مقابله به فهیمه رحیمی، مقابله با پله اول نردبان کتاب‌خوانی است.»

مرادی کرمانی نیز معتقد است: «مسیر خیلی از نویسنده‌های بزرگ هم از میان همین کتاب‌ها می‌گذرد. خیلی‌ها با این کتاب‌ها شروع کرده‌اند، محمود برآبادی، نویسنده، نیز در یادداشتی که چندی پیش در روزنامه شرق نوشته بود از این گفت که: «در این روند مهم این است که کتاب‌خوان، خواندن را ادامه دهد و آن را رها نکند. اگر به خواندن ادامه دهد، یقیناً سلیقه‌اش، بالا رفته، شناختش افزایش یافته و راه خود را پدید خواهد کرد.»

- ویژگی‌های یک سیر مطالعاتی خوب چیست؟**
- اما حالا که صحبت از سیر مطالعاتی شد، بد نیست گوشه‌چشمی هم به ویژگی‌های یک سیر مطالعاتی مطلوب داشته باشیم.
- مسطفی فعله‌گری، نویسنده و پژوهشگر، در گفت و گویی که به تازگی با ایننا انجام داده به

ویژگی‌هایی اشاره کرده است که داشتن یک سیر مطالعاتی خوب برای فرد به ارمغان می‌آورد و چند نمونه‌آن از این قرار است: «شناخت حسی و عقلی او را ژفا بدهد، آرام، سنجیده و پیوسته پیش برود، به تشنگی بیشترش برای خواندن بیفزاید، بر کار و زندگی و انسانیت او، در هر گام اهل مطالعه را دارای جهان‌بینی ژرف‌تر و بهره‌آفرین‌تری برای رسیدن خود و دیگران به زندگی انسانی بهتر کند، و او همچنین درباره پی‌ریزی و شکل‌گیری این برنامه‌های مطالعاتی می‌گوید: «تاکنون برنامه‌های مطالعاتی، پراکنده و بی‌افق طراحی شده‌اند. این برنامه‌ها باید از دامان مادران و در سایه پدران خانواده‌ها آغاز شود. در دبستان‌ها باید گسترش پیدا کنند. در دبیرستان‌ها باید متنوع شوند. در دانشگاه‌ها ژفا یابند و همه دانش‌ها و زندگی فردی و اجتماعی ایرانیان را در بر بگیرد.»

هوشنگ مرادی کرمانی:

وجود کتاب‌های عامه‌پسند اصلاً باعث رونق کتاب‌فروشی‌ها می‌شود. اما نکته مهم این است که این کتاب‌ها از زمان خود نمی‌گذرند، مقطعی هستند، زمان خاصی خوانده می‌شوند و بعد کنار می‌روند. در شما که غریبه نیستید هم گفته‌ام. این جور کتاب‌ها باید باشند تا چرخ مطالعه را به حرکت درآورند و کنار بروند

خود با روزنامه همشهری گفته بود: «... این قبیل کتاب‌ها را ناشرها بین خانواده‌ها پخش می‌کنند، دست‌خانم‌های خانه، دخترهای کارگر و کسانی که سواد کمی دارند می‌رسانند و آدم حسابی‌ها این کتاب‌ها را نمی‌خوانند.» و در جایی دیگر می‌گوید: «آدمی که دنبال انسانیت است و آثار درست و حسابی دنیا را خوانده، دنبال این است که کتاب جدی بنویسد.» و باز می‌گوید: «آن چیزی هم که می‌نویسد از اعماق اندیشه‌اش می‌نویسد. کسی هم که یاد گرفته کتاب سرگرمی بنویسد، می‌نویسد، قرار نیست بیاید کتاب جدی بنویسد.»

- مهم، ارتقای نردبانی کتاب‌خوان‌هاست**

اما آنچه در این میان مهم‌تر به نظر می‌رسد و برخی از نویسندگان و چهره‌های ادبی به آن اشاره کرده‌اند، نقشی است که رمان‌های عامه‌پسند در شکل‌گیری علاقه‌مندی به کتاب و کتاب‌خوانی و پی‌ریزی یک



کب دیگران

گفت وگویی گاردین با جومیا لاهیری به بهانه انتشار تازه‌ترین مجموعه داستان او

من راوی شخصیت‌های گم‌شده‌ام



گروه فرهنگ و ادبیات

جومیا لاهیری، نویسنده هندی-امریکایی که برای نخستین مجموعه داستانش با عنوان «مترجم درد‌ها، برنده جایزه معتبر پولیتزر سال ۲۰۰۰ شد، یک زن ماجراجو در دنیای زبان‌هاست. هندی و انگلیسی می‌داند، به بنگالی هم مسلط است؛ «مقداری فرانسوی و اسپانیایی صحبت می‌کنم و در حال یادگیری یونانی مدرن هستم. لاتین و یونانی باستان را هم می‌خوانم.»

وایتالیایی‌اش هم به قدری خوب است که به این زبان داستان بنویسد و ترجمه کند. مترجم سه رمان از دومینیکو استارنونه گذشته به زبان ایتالیایی منتظر و به تازگی به انگلیسی ترجمه ۴۳ پیش از میلاد مسیح به دنیا آمده و او را به همراه هوراس و ویرژیل سه رکن اصلی زبان لاتین می‌دانند- را دارد از لاتین به انگلیسی برمی‌گرداند و آن را پرمعناترین پروژه زندگی‌اش توصیف کرده است. تازه‌ترین مجموعه داستان او، «داستان‌های رمی، سال گذشته به زبان ایتالیایی منتظر و به تازگی به انگلیسی ترجمه شده است. به همین بهانه «گاردین، گفت‌وگویی با او داشته است که گزیده‌ای از آن در ادامه می‌آید.

«مترجم درد‌ها»، «هننام»، «خاک غریب»، «کودی»، «جایی که هستم، و «همین حوالی» از آثاری هستند که از این نویسنده به فارسی برگردانده شده‌است.

- می‌توانید درباره مجموعه داستان جدید خود صحبت کنید.** شما عنوان و مفهوم را از آلبرت مورایا، که مجموعه داستان رمی خود را سال ۱۹۵۴ منتشر کرد، وام گرفته‌اید. چه چیزی باعث شد که بخواهید این کار را انجام دهید؟ من سال‌ها آثار مورایا را خوانده و تحسین کرده‌ام. [...] در واقع، داستان‌های او اولین برخورد من با رم بود، مدت‌ها قبل از اینکه از آنجا دیدن کنم. سال‌ها بعد، مورایا اولین نویسنده‌ای بود که مستقیماً به زبان ایتالیایی خواندم و کاملاً فهمیدم، و وقتی شروع به نوشتن به ایتالیایی کردم، برای راهنمایی گرفتن به سراغ او رفتم. وضوح سبک او و کنترل و دقت زبانش به من آموخت که چگونه کلمات و جملات را به زبانی جدید در صفحه بچینم. عنوانی که من انتخاب کرده‌ام تا حدی ادای احترام به اوست، اما همچنین برای تغییر شکل و اصلاح یک متن و به نوعی از از جنگ او و رمی را که در دهه گذشته در آن زندگی کرده‌ام و می‌شناختم، نشان دهم. با این اوصاف، شخصیت‌های او، مانند من، افراد خارجی یا افرادی هستند که راه خود را گم کرده‌اند، تقریباً همیشه در بحران و اغلب در لبه‌ها زندگی می‌کنند.

- قبلاً گفته‌اید که ترجمه برای شما یک دگردیسی است که اجازه می‌دهد اثری دوباره متولد شود. آیا به نظر شما این داستان‌ها به شکل انگلیسی دوباره متولد شده‌اند؟**

من فکر می‌کنم ترجمه اقدامی است برای تغییر بنیادی، اقدامی برای تغییر شکل و اصلاح یک متن و به نوعی از آنچه در گذشته بوده، غیرقابل تشخیص می‌شود، هرچند ماهیت آن ثابت می‌ماند.

- در بسیاری از داستان‌ها نام کمیاب است، چرا؟**

من مدت زیادی است که با نام نمی‌نویسم، نام در تمام کارهای ایتالیایی من وجود ندارد... به این دلیل که از آن خسته شده‌ام. من از فرضیاتی که خوانندگان بلافاصله بر اساس نام انجام می‌دهند خسته شده‌ام. بنابراین اگر در داستان شخصی را P خطاب کنیم، تنها چیزی که می‌دانیم این است که این زنی است که در رم به دنیا آمده و بزرگ شده است، اما نمی‌دانیم چه شکلی است، ما در واقع نمی‌دانیم قومیت او چیست. نمی‌دانیم پدر و مادرش اهل کجا هستند، نمی‌دانیم از چه خونی است. نمی‌توانیم درباره او فرضیاتی داشته باشیم.

- کدام رمان نویسان و ناداستان‌نویسان را که امروز کار می‌کنند بیشتر تحسین می‌کنید؟**

راشتن من خیلی کم داستان‌های معاصر را می‌خوانم، تقریباً هیچ. اما همیشه مشتاقانه منتظر هر چیزی هستم که لیدیا دیویس تولید کند. همیشه مشتاقانه منتظر هر آنچه که دومینیکو استارنونه می‌خواهد بنویسد، هستم، مترجم گاه به گاه او هم هستم. اما واقعا انرژی خیلی خیلی زیادی از اووبد می‌گیرم.

زین‌قندپاره

علیرضاچهدری مدرس ویراستاری

- ناویراسته ✖**

...این موضوع باعث شد مناسبات تجاری ما بین دولت مرکزی و دیگر نقاط سواحل خلیج فارس شکل بگیرد.

- ویراسته ✔**

...این موضوع باعث شد مناسبات تجاری بین دولت مرکزی و دیگر نقاط سواحل خلیج فارس شکل بگیرد.

- نکته ⚡**

نوشتن «بین» به تنهایی کافی است و نیازی نیست «ما بین» بنویسیم، این کار هم فارسی تراست و هم ساده‌تر.

#زین-قندپارسی

شهریار

اشرنه
۱۳ مهر ۱۴۰۲
شماره ۴۵۱

۱۵



فرهنگ و ادبیات